

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [بالاترین](#)]

[تاریخ: ۱۵ خرداد ۱۳۹۳]

مجید محمدی

هولوکاست بهاییان: چرا، چگونه و در کدام سطح؟

پس از سه دهه بهایی ستیزی، خامنه‌ای این آزاده‌ی و سرکوب را رسمیت حکومتی بخشید: «همه مؤمنین باید با حيله‌ها و مفاصد فرقه گمراه بهائیت مقابله... و از هرگونه معاشرت با این فرقه ضالّه مضلّه، اجتناب نمایند.»

بنا به گزارش هرانا، وبسایت مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران روز دوشنبه ۱۲ خردادماه مأموران اداره اطلاعات مشهد به یک جلسه مذهبی شهروندان بهایی مراجعه کرده و پس از تعطیل کردن آن، به تفتیش منزل و ضبط کتب مذهبی پرداختند. مأموران به هنگام خروج از محل، سه شهروند بهایی را بازداشت کردند و سپس به خانه‌های بازداشت‌شدگان رفته و تا پاسی از شب به بازرسی منازل آن‌ها پرداختند و پس از ضبط کامپیوتر، کتاب‌ها و تصاویر مذهبی، محل را ترک کردند. این گونه اعمال ۳۵ سال است که در ایران علیه بهاییان ادامه دارد. حدود ۲۰۰ شهروند بهایی در ۳۵ سال گذشته در ایران اعدام شده‌اند و رهبران بهایی دوره ای پس از دوره ی دیگر در زندان به سر برده‌اند.

رسمیت بخشی به سرکوب

پس از سه دهه بهایی آزاری و بهایی ستیزی سرانجام این علی خامنه‌ای بود که این آزاده‌ی و سرکوب را رسمیت حکومتی بخشید. او در پاسخ به چند سوال موضع رسمی جمهوری اسلامی و نهاد روحانیت شیعه را بدین طریق اعلام کرد:

«جمع افراد فرقه ضالّه بهائی محکوم به کفر و نجاست هستند و از غذا و سایر چیزهایی که با رطوبت مسری در تماس با آنها بوده است باید اجتناب کرد و بر مومنین واجب است که با حيله و فسادگری این فرقه گمراه مقابله کنند... در صورت تماس آنها با چیزی، مراعات مسائل طهارت در رابطه با آنها، نسبت به اموری که مشروط به طهارت است، واجب است... همه مؤمنین باید با حيله‌ها و مفاصد فرقه گمراه بهائیت مقابله نموده و از انحراف و پیوستن دیگران به آن جلوگیری کنند... از هرگونه معاشرت با این فرقه ضالّه مضلّه، اجتناب نمایند.»

نخست این که این احکام فقط نظر خامنه‌ای نیست. دیگر روحانیون شیعه (به استثنای افرادی بسیار اندک مثل حسینعلی منتظری و برخی از شاگردانش) نیز چنین نظری به بهاییان و دین بهائیت دارند. آنها در دوره‌های گذشته نیز چنین نظری داشته‌اند. در مواردی که شاهان قاجار با آنها همراهی می‌کردند کمر به قتل بهاییان بستند و در دوران پهلوی که از نظر مدارای مذهبی حکومت از دوره‌های درخشان تاریخ ایران است مجبور بودند از حمله‌ی فیزیکی به بهاییان و اموال آنها خودداری کنند اما به مقابله‌ی عقیدتی با آنها ادامه می‌دادند و نظراتشان دقیقاً شبیه به نظرات امروز خامنه‌ای بوده و هست. مبارزه با بهائیت آن چنان برای روحانیون و شیعیان جدی بوده است که یکی از مهم ترین سازمان‌های دینی شیعیان در قرن بیستم یعنی انجمن‌های حجتیه صرفاً برای مبارزه با بهائیت شکل می‌گرفتند.

دوم آن که نظراتی مثل «مقابله با حيله و فسادگری این فرقه» یا «جلوگیری از انحراف آنها» از سوی یک روحانی بدون قدرت در یکی از روستاهای کشور صادر نشده بلکه رهبر جمهوری اسلامی که همه‌ی قوای قهریه زیر نظر وی هستند اینها را بیان کرده است. طبیعی است که هم وی انتظار دارد منصوبانش رهنمودهای وی را دنبال کنند و هم

آنها برای راضی کردن مقام بالاتر خود آنها را پی گیری می‌کنند. بنابر این هر سرکوبی که از سوی حکومت علیه بهاییان صورت می‌گیرد امری دستوری است و چراغ سبز آن قبلاً صادر شده است. رهبر جمهوری اسلامی مستقیماً مسئول این حملات است.

و سوم آن که ادبیات این گونه سخنان ادبیاتی پر از کینه و دشمنی است. الفاظی مثل «انحراف»، «ضاله»، «مضله»، «حیله»، «کفر»، «نجاست»، «فسادگری»، و «فرقه» همه شلیک گلوله‌ی آغاز مسابقه است در حذف بهاییان و هر آنچه منسوب بدانان است. حکومت با کسانی که چنین اوصافی از آنها نشده (مثل برخی روحانیون شیعه یا اصلاح طلبان) تا حد کشتار جمعی و بازداشت‌های بالای ده هزار نفر پیش رفته است (در دوران جنبش سبز) و مشخص است که با این عبارات تا کجا پیش رفته و خواهد رفت.

چرا بهایی ستیزی؟

مسلمانان با غروری بدون هیچ گونه مبنای عقلی دین خود را آخرین دین می‌دانند. در بازار دین همیشه رقابت وجود داشته و ادیان خود را بهترین و آخرین دین اعلام کرده‌اند. ادعای خاتمیت در این بازار مثل این است که یک مغازه‌ی پیتزا فروشی خود را آخرین مغازه‌ی پیتزا فروشی اعلام کند. این غرور بیهوده و تنها-خود-حق-پنداری باعث شده که هر دین تازه‌ای از نگاه آنها مظهر فساد و بطلان و ردالت تلقی شود. دقیقاً به همین علت است که شیعیان به دین بهایی تهمت‌هایی مثل ساخته شدن به دست بیگانه یا جواز ازدواج با محارم را می‌زنند. از نگاه آنها دست یازیدن به هر گونه ابزاری برای بدنام کردن رقیب مجاز بوده است.

تک تک ادیان در بازار دین متاعی را عرضه می‌کنند و با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. هر کدام از این فروشندگان ادعا می‌کنند که بهترین متاع را عرضه کرده است و تا وقتی یکی دست به شمشیر و قوای قهریه نبرد آنها می‌توانند با خود-حق‌پنداری با یکدیگر رقابت کنند. اما از نگاه ناظری که همه‌ی آنها را تحت نظر دارد آنها فروشنده‌اند و دارند تلاش می‌کنند سهم بزرگ تری از بازار را به دست بیاورند. اتهام زنی و دروغ پردازی نسبت به یکدیگر در این بازار در واقع بر هم زدن بازی و رقابت منصفانه است.

وجه دیگر بهایی آزاری و بهایی ستیزی در ایران معاصر احساس ضعف شدید شیعیان و رهبران دینی آنها در برابر آرا و باورهای تازه است. از این منظر علت بهایی آزاری همان علت یهود آزاری، مسیحی آزاری، درویش آزاری، دگر اندیش آزاری، افغان آزاری، کرد آزاری و زن آزاری است. اسلامگرایان که خود را بازنده‌ی نزاع فکری می‌بینند تنها با سرکوب و قلدردن دیگران را از رقابت در بازارهای دینی و سیاسی و اجتماعی باز می‌دارند.

چگونه آزار می‌دهند؟

حاکمان جمهوری اسلامی با همراهی اعضای سابق انجمن‌های حجتیه و اکثر روحانیون شیعه با تمسک به پنج روش در آزار و سرکوب بهاییان کوشیده‌اند:

پرونده سازی برای فعالان بهایی (کسانی که نقض حقوق بهاییان را پی گیری می‌کنند و صدای آنها هستند یا بر حقوق خود اصرار دارند و نمی‌خواهند کشور را ترک کنند) با اتهاماتی مثل تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی، یا همکاری با اجانب. با همین پرونده سازی‌ها صدها بهایی اعدام، هزاران نفر زندانی و هزاران ملک و اموال بهاییان توسط دستگاه قضا مصادره شده است.

ترور. بهاییانی که فعال هستند اما پرونده سازی برای آنها دشوار است به روش ترور حذف شده‌اند. قتل عطاالله رضوانی، عضو سابق هیات سه نفری خادمین جامعه بهائی بندرعباس شب دوم شهریور ۱۳۹۲ با شلیک گلوله از پشت سر در بندرعباس نمونه‌ای از این ترور هاست. پیش از این نیز میعاد افشار و ایرج میدانی، از بهائیان سرشناس بندرعباس از سوی افراد نزدیک به امام جمعه بندرعباس با قمه مجروح شده بودند. ایرج مهدی‌نژاد، یکی دیگر از بهائیان بندرعباس نیز چند سال پیش با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. (یکی از اعضای خانواده‌ی رضوانی در گفتگ. با رادیو زمانه، ۳ شهریور ۱۳۹۲)

گرفتن فرصت کار. بهاییانی که امروز در ایران زندگی می‌کنند تنها می‌توانند در فعالیت‌های کوچک خصوصی حضور داشته باشند چون استخدام آنها در بخش عمومی و دولتی غیر ممکن است. آنها در فعالیت در بخش خصوصی

نیز نمی‌توانند کارآفرینی کرده و به تاسیس شرکت‌های بزرگ بپردازند. بهاییان تنها در حد بخور و نمیر می‌توانند فعالیت کنند و حکومت هم در این سطح نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد.

گرفتن فرصت رشد. عدم ثبت نام و اخراج بهاییان از دانشگاه‌ها، محروم کردن آنها از استخدام در نهادهای مختلف از جمله ارتش، دانشگاه‌ها، ادارات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در واقع مرحله‌ای از حذف اجتماعی آنهاست. بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و دستور وزارت اطلاعات «بهائیان نمی‌توانند در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ثبت نام کنند. لذا در صورت مشاهده ضمن گزارش امر از ثبت نام ایشان جداً خودداری به عمل آورده و در صورت ثبت نام شدن اخراج گردند.»

تخریب میراث. مخالفان بهائیت می‌خواهند کاری کنند که در هر شهر و روستای ایران اثری از آثار بهاییان باقی نماند و مردم ایران فراموش کنند که در دوره ای از تاریخ ایران جمعی به نام بهایی در میان و کنار آنها می‌زیسته‌اند. این امر از تخریب معابد بهاییان در اولین سال های جمهوری اسلامی آغاز شد و در سال‌های اخیر به تخریب خانه‌ها و قبرستان‌های آنها رسیده است. البته بخشی از قبرهای تخریب شده قبر کسانی است که با اتهامات واهی و حتی در سنین نوجوانی توسط جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند. تخریب این قبرها در واقع از میان بردن اسناد و مدارک جنایت است. این اقدامات بسیار شبیه اقدامات دولت نازی علیه یهودیان اروپایی است.

#### هدف نهایی

هدف از این آزار و اذیت‌ها و سرکوب‌ها پاکسازی جامعه‌ی ایران از بهاییان و همه‌ی نشانه‌ها و یادگارهای آنهاست. حکومت و نهادهای امنیتی و نظامی و شبه نظامی آن می‌خواهند بهاییان را میان دو انتخاب قرار دهند: ترک دین خود یا ترک ایران. از این جهت مبارزه با بهائیت در جمهوری اسلامی نوعی هولوکاست تدریجی بهاییان است. وقتی خامنه‌ای بهاییان را نجس تلقی می‌کند و حکم دین زدودن نجاست است طبعاً سیاست حکومت پاکسازی مذهبی بهاییان است. این پاکسازی ۳۵ سال است که جریان داشته و نتیجه‌ی آن کشته شدن صدها، و مهاجرت دهها هزار نفر از بهاییان شده است.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]